



# این فیلم، رویای کودکی من بود

موقعی که یک بچه کوچک بودم، این رویای من بوده. از آن چه ما تا کنون دیده ایم سلیقه بصری در این فیلم به نظر خیلی تجملاتی و حتی شاهانه می آید. آیا این چیزی بود که از قبل در نظر گرفته بودید یا بعد از صحبت با افرادی مثل کریس دوئل فیلم بردار، به این نتیجه رسیدید؟

زیبایی شناسی این فیلم به طرز تحکیک ناپذیری بسته به رنگش است. ایده استفاده از رنگها برای تعریف داستان، از همان ابتدایی که فکر ساختن این فیلم به ذهنم خطور کرد، به وجود آمد. چگونگی صحنه، لباس ها و همه چیز با خود فیلم نامه شکل گرفت. مدت ها بود که در ذهنم تصویری داشتم، بعد روی این کار کردم که چگونه آن را برای دیگر عوامل بازگو کنم.

به عنوان کارگردانی که در این ژانر کار می کند، حتماً تا کنون چیزهای خیلی زیادی یاد گرفته اید. وقتی که آنگ لی فیلم برداری بیر خیزان... را شروع کرد، می گفت که کاملاً سرگردان است. شما چگونه با مشکلات فیلم برداری یک فیلم اکشن، کنار می آید؟

چین هستند. کار کردن با آن ها خیلی لذت بخش است. کار کردن با چنین افراد قابلی، فشار را از بین می برد. این که دارید این فیلم را بعد از بیر خیزان، ازدهای پنهان می سازید، به فشار کارتان اضافه نمی کند؟ می دانم که سؤال ملال آوری است و جواب واضحی دارد، ولی نظرتان را بگویید.

قبل از هر چیز باید بگویم که برای آنگ لی که این فیلم را به چنین موفقیت بزرگی تبدیل کرده، احترام قائم. این فیلم را خیلی دوست داشتم. و در سطح بین الملل توجه همگان را به خود جلب کرد که در مورد فیلم های چینی و هنرهای رزمی، چنین چیزی بی سابقه بود. ولی معتقدم که اگر کسی فیلم موفق بسازد، معنی اش این نیست که ما همه باید احساس کنیم که زیر فشار شدیدی قرار گرفته ایم. قدرت تخیل هر کس با دیگری متفاوت است. هر کارگردانی، اهداف خودش، و آرمان های زیبایی شناسانه و دراماتیک خودش را دارد. من هم مثل آنگ لی، طرفدار پروپاقرص سینمای هنرهای رزمی هستم. از بچگی همین طور بوده ام. کاملاً یا آن چه لی یک بار در این زمینه گفت، موافقم: «رویای هر کارگردان مرد این است که یک فیلم رزمی بسازد.» از

امروز صبح که شما را هنگام فیلم برداری دیدم، کمی مضطرب به نظر می رسیدید. آیا برای این فیلم خیلی نگران هستید؟

من همیشه موقع فیلم برداری صحنه های جنگی، نگران بازیگران هستم. حدود ده سال پیش در فیلمی که تونی چینگ کارگردان اکشن اش بود، بازی کردم. گانگ لی بازیگر نقش اول زن بود. وسط یک صحنه جنگی، پایم شکست. واقعاً در دسر بود. چهار ماه طول کشید تا خوب شد. بنابراین همیشه دلوپس سلامتی بازیگرانم هستم.

آخرین بار که همدیگر را در پکن دیدیم، گفتید که می خواهید یک فیلم کونگ فویی بسازید. قبلاً چنین فیلمی نساخته بودید و کمی مضطرب به نظر می رسیدید. حالا چگونه از عهده بر می آید؟

اوضاع خیلی هم بد نیست. هنوز هم خیلی به این پروژه علاقه مند هستم. هنوز هم خیلی به آن دلبستگی دارم. و دوست قدیمی ام، کارگردان اکشن، دوستی قدیمی است که بیش از یک دهه است که می شناسمش. این کار را خیلی آسان تر کرده است. و بازیگرانم هم - جت لی، تونی لونگ، مگی چونگ، ژانگ زی نی - چهار تاز مستعدترین بازیگران

ایده استفاده از رنگ‌ها برای تعریف داستان، از همان ابتدایی که فکر ساختن این فیلم به ذهنم خطور کرد، به وجود آمد. چگونگی صحنه، لباس‌ها و همه چیز با خود فیلم نامه شکل گرفت.

نیست، هنوز جوان است، ولی توانایی‌اش را دارد. فکر می‌کنید به خاطر این باشد که حالا با خواسته‌هایی که به عنوان یک بازیگر از او دارید پیش‌تر آشنا شده؟ یعنی ادراک بهتری از بازی‌ای که از او می‌خواهید، یافته است؟

تا حدودی بله، ولی همین‌طور هم به این مربوط می‌شود که او در هنر بازیگری پیشرفت کرده است. یک مثال می‌زنم. وقتی که *The Road Home* را می‌ساختیم، خیلی وقت‌ها او باید گریه می‌کرد. آن قسمت‌ها از نظر من بخش‌های خیلی حساس فیلم بودند. به همه می‌گفتم ساکت باشند. باید سکوت مطلق برقرار می‌شد، چون گریه کردن در مقابل تعداد زیادی آدم، کار آسانی نیست. می‌دانستم که فقط می‌توانیم یک برداشت بگیریم. نور، فیلم و همه چیز باید بی‌نقص می‌بود، چون می‌ترسیدم که در برداشت دوم و سوم دیگر اشکش نیاید، با بازی‌اش تصنعی جلوه کند. ولی در این فیلم او حیرت‌انگیز بود. ما تمام مدت مشکلات تکنیکی داریم. همیشه باید به خاطر این یا آن، صحنه را از اول کار کنیم. هر نما را پنج شش بار می‌گیریم. و او هر وقت که بخواهیم گریه می‌کند. فقط چند ثانیه طول می‌کشد تا در نقشش فرورود یا از آن بیرون بیاید. او مرا حیرت زده کرده و تحت تأثیر قرار داده. این یک تغییر واقعی در بازی‌اش است. حالا اگر بخواهم از گریه کردنش فیلم بگیرم، دیگر نمی‌ترسم که چندین برداشت بگیرم، چون همیشه احتمال این‌که برداشت آخر از همه بهتر از آب درآید، وجود دارد. مگی هم این استعداد را دارد. و من دیده‌ام که زنی خیلی مشتاقانه بازی او را زیر نظر می‌گیرد. این حرکت هوشمندانه‌ای است. مگی می‌تواند خیلی چیزها به او یاد بدهد.

ترجمه هانیه سیف

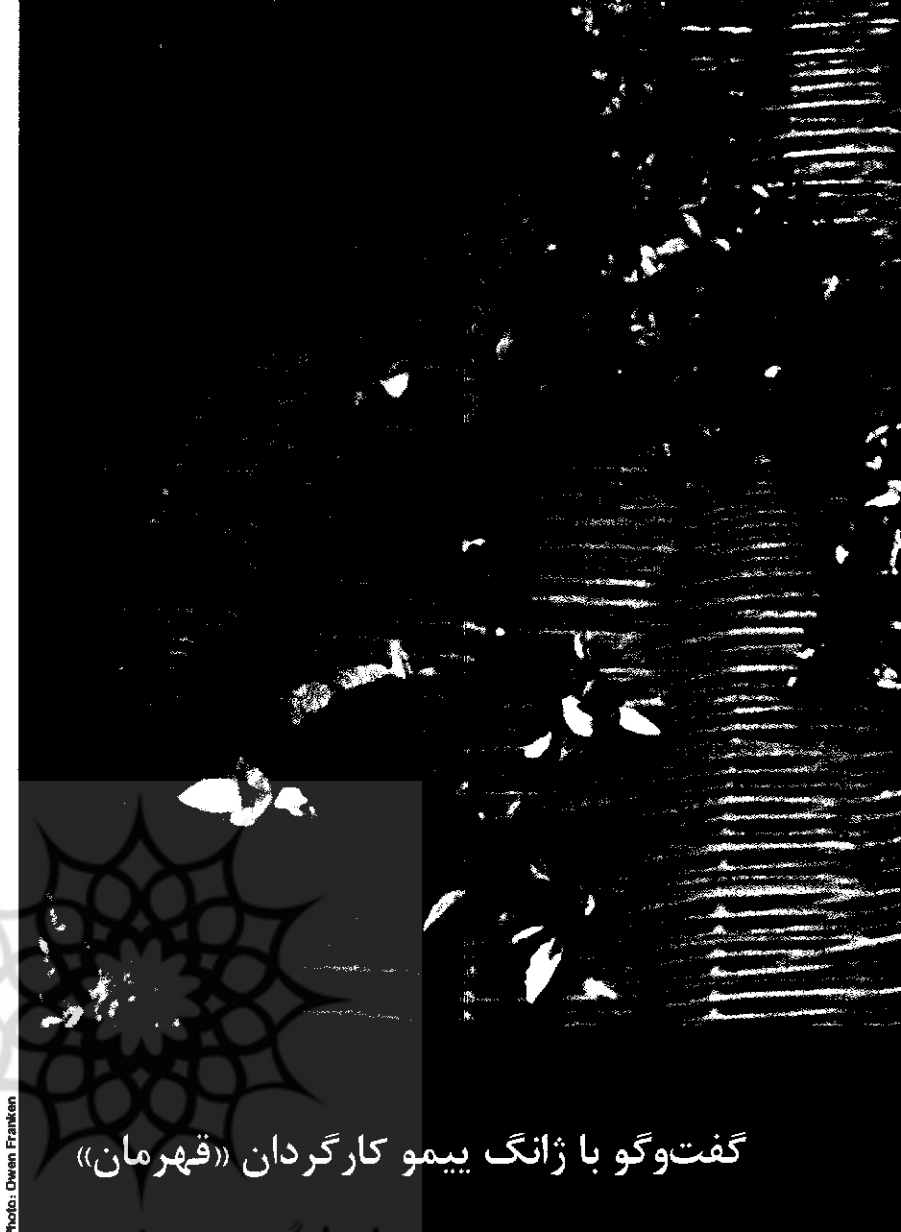


Photo: Dwen Franken

## گفت‌وگو با ژانگ ییمو کارگردان «قهرمان»

بوده است. آیا این فیلم از نظر زیبایی‌شناسی کار متفاوتی است؟ آیا مردم با چیزی مثل اولین کار شما در مقام کارگردان، ذرت سرخ، مواجه می‌شوند؟ یعنی این هم، چنین تأثیری خواهد داشت؟ یا مردم چیز خیلی جدیدی خواهند دید؟ امکانش هست. یقیناً این چیزی است که سعی دارم به دست آورم. برخی از رایش‌ها را دیده‌ام و مطمئنم که می‌توانیم به مخاطبان کار کاملاً جدیدی ارائه دهیم. گفتید که ژانگ زنی در این فیلم پیش‌تر از فیلم قبلی که با هم کار کردید، *The Road Home*، با شما راحت است. آیا حالا او هم همان‌طور که در مورد مگی چونگ و تونی لونگ گفتید، هر صحنه را یا یکی دو برداشت، فیصله می‌دهد، یا باز هم باید کلی برایش توضیح بدهید تا دستش بیاید که از او چه می‌خواهید؟ در این فیلم تقریباً همین‌طور است. قبلاً، برای هر نما باید وقت زیادی را صرف صحبت کردن با او می‌کردم. حالا خیلی سریع‌تر می‌گیرد. البته او به اندازه تونی یا مگی، با تجربه

من هم درست به اندازه آنگ لی سردرگم، و حتی شاید بیش‌تر از او. من داستان این فیلم را دوست دارم، ولی همیشه موقعی که می‌خواهی فیلم برداری را شروع کنی، چیزهای زیادی هست که باید به خاطر بسپاری. مثل این همه ستاره سینما و دشواری‌های صحنه‌های اکشن. قطعاً خیلی چیزها هست که باید یاد بگیرم. با این وجود، حس انجام دادن کارهای دشوار برای اولین بار را دوست دارم. این چالش را دوست دارم. نمای خاصی بود که بخواهید بگیرید، ولی به خاطر دشواری‌های تکنیکی یا چیز دیگر، نتوانید؟ بله، فراوان. برخی نماها را به خاطر محدودیت توانایی‌های بازیگران در هنرهای رزمی نمی‌توانستیم بگیریم. برخی دیگر را به خاطر مواردی که نمی‌توانستیم کار کنیم. و صحنه‌هایی هم بود که خیلی پیچیده بود. ما خیلی از صحنه‌ها را با کامپیوتر اصلاح می‌کنیم. این خودش دردسری است، چون موقع فیلم برداری نمی‌دانی که این صحنه در نهایت چگونه درمی‌آید. نمی‌توانی آن را ببینی. و صحنه‌هایی هم بود که به خاطر شرایط محیطی و جوی نمی‌توانستیم بگیریم. این برای فیلم‌های اکشن چیز تازه‌ای نیست، همیشه همین‌طور